

ظرفیت پیادهروی اربعین بر بیداری
و همگرایی در عرصه جهان اسلام

علیرضا نائیج

دکتری روابط بینالملل و مدرس دانشگاه

چکیده

پیاده‌روی اربعین حسینی که در بین شیعیان و مسلمانان از زمانهای دور در ایام اربعین حسینی از نجف تا کربلا مورد توجه قرار داشت در دهه اخیر به عنوان یک پدیده اجتماعی که نه تنها جامعه عراق، بلکه جهان اسلام و جامعه جهانی را معطوف به خود داشته است و بسیاری از افراد را با یک تجربه مردمی بدون حضور حاکمیتها مواجه کرد و این پرسش را بوجود می‌آورد که « ظرفیت اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی چه تاثیری بر بیداری و همگرایی در عرصه جهان اسلام میتواند داشته باشد؟» وجود خیل عظیمی از مشارکت کنندگان مردمی از کشورهای گوناگون اسلامی و غیراسلامی در جنس و سنین مختلف از قشرها و طبقات گوناگون در پیاده‌روی اربعین بدون توجه به دیدگاه حاکمیت‌های سیاسی به عنوان یک پدیده برخاسته از ارزش و فرهنگ اسلامی و انسانی در ایجاد و شکلگیری زبان مشترک و فهم بین‌الاذهانی بین جوامع ایجاد نمود. همین فهم بین‌الاذهانی موجبات بیداری، همگرایی و صلح را در جوامع اسلامی به دنبال خواهد داشت و از سوی دیگر موجب کاهش منازعات و تنشهای هویتی غیردینی در این جوامع میگردد. همانگونه که جمله حب الحسین یجمعنا به زیبایی این همگرایی را در بین توده‌های عظیم اسلامی و انسانی متبلور مینماید. این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری داده‌ها بصورت کتابخانهای و اینترنتی میباشد.

واژگان کلیدی: اربعین، همگرایی، فرهنگ، جهان اسلام، اهل بیت (علیهم‌السلام)،

پیاده‌روی

The capacity of Arbaeen walk on awakening and convergence in the field of Islamic world

Alireza Naeij

The Arbaeen Hosseini walk, which was popular among Shiites and Muslims since ancient times during the days of Arbaeen Hosseini from Najaf to Karbala, in the last decade as a social phenomenon that not only the Iraqi society, but also the Islamic world and the international community. It has brought many people to face a popular experience without the presence of the authorities and raises the question that "the capacity of Arbaeen as a social phenomenon can have an effect on the awakening and convergence in the field of the Islamic world." have?" The existence of a huge number of people participating from different Islamic and non-Islamic countries in different sexes and ages from different strata and classes in the Arbaeen walk regardless of the political authorities' view as a phenomenon arising from Islamic and human values and culture in creating and the formation of a common language and intersubjective understanding between communities. This intersubjective understanding will lead to awakening, convergence and peace in Islamic societies, and on the other hand, it will reduce non-religious identity conflicts and tensions in these societies. As the sentence of Hab al-Husain Yajamana beautifully crystallizes

this convergence among the huge Islamic and human masses. This research is based on descriptive-analytical method and data collection in library and internet.

Key words: Arbaeen, convergence, culture, Islamic world, Ahl al-Bayt , walking

سعة تأثير زيارة الأربعين على الصحة والتقارب في العالم الإسلامي

الملخص

إن زيارة الاربعين التي كانت منتشرة منذ القدم أوساط الشيعة وكافة المسلمين في أيام الأربعين الحسيني ومن النجف إلى كربلاء ، ظهرت في العقد الاخير كظاهرة اجتماعية ليست فقط في المجتمع العراقي بل العالم الإسلامي والمجتمع الدولي كله ، وواجهت الكثير من الناس بتجربة شعبية و دون حضور الحكومات وهنا يطرح التساؤل "ما هو تأثير قدرة الأربعين كظاهرة اجتماعية على الصحة والتقارب في العالم الإسلامي؟"

وجود عدد هائل من المشاركين من الدول إسلامية وغير الإسلامية و من الذكر والانثى و من مختلف الاعمار و الطبقات و بغض النظر عن رؤية الحكومات السياسية كظاهرة ناشئة عن القيم الإسلامية والإنسانية، الثقافة في ايجاد وتشكيل لغة مشتركة وتفاهم بين الذات و بين المجتمعات.

سیؤدي هذا الفهم الذاتي إلى الصحوه والتقارب والسلام في المجتمعات الإسلامية من جانب ومن جانب آخر سيقبل من النزاعات وتوترات الهوية غير الدينية في هذه المجتمعات.

كما تبلور الجملة المعروفة (حب الحسين يجمانا) بشكل جميل هذا التقارب بين الجماهير الإسلامية والإنسانية الضخمة.

يعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي التحليلي وجمع البيانات من المكتبات والانترنت.

الكلمات المفتاحية : الاربعين ، التقارب ، الثقافة ، العالم الاسلامي ، اهل البيت (عليه السلام) ، مشيا على الاقدام.

۱. مقدمه

پيادهروی اربعين حسینی هر چند که به شکل امروزی بعد از شهادت امام حسین برگزار نمیگردید ولی یک سنت شیعی است که در زمان ائمه معصومین این حرکت بصورت انفرادی پایهگذاری گردید و در زمان حکومتهای بنیامیه و بنیعباس نیز انجام میگرفت (قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۲). این حرکت در ادامه بصورت مردمی و بدون دخالت و حمایت حکومتهای زمان خود و گاهی در تقابل با آنان صورت میگرفت تداوم یافت و در زمان حکومت حزب بعث نیز صورت سیاسی به خود گرفت که منتهی به إنتفاضه صَفَرِ عراق در صفر سال ۱۳۹۷ هجری قمری (برابر با ۱۹۷۷م - ۱۳۵۵ش) گردید. با توجه به تغییرات سیاسی در عراق که منجر به سرنگونی حزب بعث و صدام در سال ۲۰۰۳م گردید، پیادهروی اربعین رونق دوباره گرفت و با حضور میلیونی مردم عراق و شیعیان جهان در این مراسم، پیادهروی اربعین تبدیل به بزرگترین همایش مردمی

سالانه جهان شد. در این اجتماع عظیم علاوه بر شیعیان، مسلمانان از مذاهب گوناگون و حتی افرادی از ادیان غیراسلامی نیز شرکت مینمایند. این پدیده نه تنها تنوع مذهبی و ادیانی را در خود دارد بلکه به لحاظ تنوع جمعیتی، طبقاتی و جغرافیایی نیز منحصر بفرد میباشد و از اقصی نقاط جهان در آن حضور دارند. بیشترین جمعیت حاضر آن را مردم عراق و ایران تشکیل میدهند.

حضور میلیونی مردم در طی چند روز در یک جغرافیای مشخص و با تعاملات گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فراجغرافیایی موجبات تبادلات زیادی را در این حوزهها برای مشارکت کنندگان به همراه دارد و منجر به ایجاد گسترده تبادل فرهنگی میشود این تبادلات نه تنها بر جغرافیای اجتماعی و فرهنگی جوامع تاثیر میگذارد بلکه فراتر از آن حکومتها را نیز مجبور به اتخاذ تدابیر و سیاستهایی میکند که متاثر از این اجتماعات و گردهماییها میباشد.

پیادهروی اربعین از ابتدای آغاز بصورت انفرادی و سپس شکل جمعی و مردمی گرفت و در ادامه از فضای مردمی و اجتماعی عبور نمود و به عرصه دولتها رسید و در تداوم راه خود از جغرافیای عراق عبور نمود و تبدیل به یک حرکت اجتماعی منطقهای و جهان اسلام گردید. امروزه در این اجتماع عظیم علیرغم سکوت رسانهای جهانی افرادی از اقصی نقاط جهان با ملیتها و ادیان گوناگون شرکت مینمایند که میتواند به عنوان الگویی از همزیستی و صلح برای زندگی انسانی مورد توجه قرار گیرد.

آیا چنین گردهمایی میتواند بر ساختارهای بینالذهنی افراد، اجتماع و حکومتها تاثیر بگذارد و آنها را به سوی اقدامات و کنشهای فرهنگی و اجتماعی هماهنگ رهنمون نماید؟ یا این ساختارهای بینالذهنی چقدر میتواند در کاهش منازعات اجتماعی، مذهبی و قومیتی بین کشورها تاثیر بگذارد؟ چنین

اجتماعاتی چه تاثیر بر بیداری افراد در امور اجتماعی و سیاسی کشورها، منطقه و جهان اسلام میتواند داشته باشد؟ چقدر میتواند به سوی زندگی انسانی مبتنی بر فطریات و ارزشهای الهی و انسانی حرکت نماید؟ آیا این پدیده میتواند ساختارهای بینالذهنی را تغییر داده و هویتی جدید از تعاملات انسانی را برای انسان در عرصه جهانی ترسیم نماید؟ در واقع مساله پژوهش بررسی ظرفیت پیاده‌روی اربعین بر بیداری و همگرایی در عرصه جهان اسلام میباشد؟

در موضوع اربعین، تحقیقات بسیاری صورت گرفته که بیشتر آنها از زوایای دینی، فرهنگی و مذهبی به نقش اربعین در تمدنسازی اسلام پرداختند به چند مورد از تحقیقات صورت گرفته در این زمینه اشاره میشود:

افتخاری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری» نشان داد که ایجاد تمدن نوین اسلامی از نظر مقام معظم رهبری امری ضروری است که از مهمترین اهداف و اصول نظام اسلامی است، برطبق بیانات ایشان؛ پیاده کردن برنامه اسلامی به خصوص تمدن نوین اسلامی از ظرفیت‌های اثرگذار اربعین حسینی است. تمدن نوین اسلامی با وجود پیشینه و سابقه تاریخی آن هنوز نیاز به حمایت و غنیسازی دارد. پیاده‌روی اربعین با ظرفیت بسیار بالا میتواند عرصه معنوی مناسبی برای تربیت و کادرسازی مسلمین جهان باشد.

تاجبخش (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «پیاده‌روی اربعین و ابعاد تربیتی آن» نشان دادند که موضوع تربیت در دوره کنونی به یک موضوع چندجانبه و درعین حال پیچیده تبدیل شده است. تعظیم و بزرگداشت اربعین، تاثیرات شگرفی بر فرد، خانواده و جامعه برجای میگذارد و حقیقتی اجتنابناپذیر است. فرصتی استثنایی برای همگرایی والدین، فرزندان و تقویت تعاون و همکاری درسایه

عبودیت و بندگی است. زائران حسینی خود را عضوی از جامعه اسلامی میدانند و زیارت قبور متبرکه نقش موثری بر سلامت روان و حفظ و افزایش حرمت فرزندان و والدین دارد.

غفاری هشجین و آقایی (۱۳۹۷) در موضوعی با عنوان «پیادهروی اربعین به مثابه جنبش اجتماعی» نشان دادند که در جنبشهای اجتماعی از عناصر استمرار، وحدت، تعداد به کرات استفاده میشود. پیادهروی اربعین به مثابه یک جنبش اجتماعی میباشد که قدرت همراهی و مشارکت سایر ادیان را در قالب یک جنبش اجتماعی دارد. اهمیت سیاسی اربعین حسینی میتواند ملتها را حول یک محور مهم به نام اسلام گردهم آورد و جایگاه حقیقی اسلام نسبت به گذشته احیاء خواهد شد.

ستوده (۱۳۸۷) در مقاله «جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی» با تاکید بر مساله جهانی شدن که موجب نفوذپذیری مرزها، تحول در هویت‌های ملی و افزایش روابط فراملی، منطقی‌های و جهانی شد. کشورهای اسلامی در مواجهه با جهانی شدن، نیازمند افزایش تعاملات درون منطقی‌های و تنظیم روابط خود با قدرتهای بزرگ مداخلهگر در مناطق اسلامی هستند. دستیابی به این هدف در گرو افزایش سطح قدرت در سطح منطقی‌های و جهانی است و به نظر میرسد به کارگیری دیپلماسی رسمی، عمومی و فرهنگی میتواند سازوکار مؤثری در تحقق بخشیدن به آن باشد؛ چرا که تصویرسازی مثبت از طریق دیپلماسی همه جانبه و به صورت هماهنگ میتواند گام مؤثری در ایجاد ایستارهای همکاریجویانه، همگرایی منطقی‌های و حفظ کشورهای اسلامی در تعامل با جهانی شدن و قدرتهای بزرگ باشد.

اکوانی (۱۳۹۹) در موضوعی با عنوان «بررسی تاثیر راهپیمایی اربعین حسینی

در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی» نشان دادند که اربعین حسینی اشاعدهنده فرهنگ ایثار، شهادت و از خودگذشتگی در بین ملت‌های مسلمان خواهد بود و اصل تمدن شیعه را احیاء خواهد کرد و باشکوهتر برگزار کردن این رویداد مهم آثار بسیار ارزشمندی برای دولت‌های شیعی خواهد داشت. راهپیمایی اربعین دال مرکزی هویت اسلامی انقلابی است، گفتمان اصولگرایی شیعی همان گفتمان حسینی است که نظام انقلاب اسلامی از مهمترین نظام‌های تمدن شیعی است که مکتب حسینی و اعتقاد به مهدویت جزو پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی می‌باشد.

امامی و غیائی(۱۳۹۶) در مقاله «همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تاکید بر پیاده روی زیارت اربعین» با تاکید بر به عناصر نرم و تمدن ساز نهاد زیارت، همگرایی تمدنی در طریق زیارت را مورد بررسی قرار میدهند و به مهمترین الزامات همگرایی در سطح تمدنی می‌پردازند نویسندگان با توجه به مفاهیم «زیارت»، «ارتباطات میان فرهنگی»، «تمدن» و «همگرایی» نگاهی فرهنگی و تمدنی به این مفهوم دارند و آن را نوعی همسویی و هم‌نوایی در گرایش‌ها، بینش‌ها و رفتار، در اجتماعی از مردم تلقی می‌کنند. مساله همگرایی در طریق زیارت را به عنوان یک الگوی همگراکننده دینی و انسانی در نظر می‌گیرند.

طاهرخانی و همکاران(۱۴۰۰) در مقاله «راهپیمایی اربعین نمادی از شکل‌گیری هویت جمعی مسلمانان» با تاکید بر این که هر ساله در اربعین ملیت‌های مختلف از نژاد و زبان‌های متفاوت اعم از شیعه و سنی و حتی پیروان سایر ادیان نیز در این مراسم حضور دارند و این افراد با هویت‌های ملی، قومی، فردی و اجتماعی متفاوت ولی به شکل منسجم و متحد در این راهپیمایی شرکت میکنند. پیاده روی اربعین را موجب شکل‌گیری هویت جمعی، وحدت،

همبستگی و بیداری اسلامی تحت لوای حسینی بودن میدانند، این تحقیقی با روش کمی انجام گرفته است.

در خصوص پیاده‌روی اربعین و ظرفیتهای آن جهت همگرایی و وحدت در جهان اسلام با رویکرد جهان اسلامی و مبتنی بر ساختارهای بینالذهنی و هویت اسلامی و انسانی تحقیقی صورت نگرفته است؛ این پژوهش به لحاظ روش و توجه به عناصر بینالذهنی از سایر تحقیقات متمایز است.

۲. چارچوب نظری

مکتب برسازی یا سازهانگاری برخلاف جریان اصلی روابط بینالملل، علاوه بر شرایط و نیروهای مادی بر انگارهها و اندیشهها نیز توجه دارد، به بیانی دیگر سازهانگاران بر روی اعتقادات بینالذهنی تاکید دارند، منافع و هویت‌های انسانها به گونه‌ای که آنان خود را در روابط با سایرین درک میکنند شکل مییابد (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۲) از منظر آنان هویت کنشگران در نظام بینالملل ثابت نیست و به همین جهت بر ساخته بودن هویت کنشگران و نقش هویت در شکلگیری منافع و کنشها تاثیر دارد (دلآوری، ۱۳۸۶: ۳-۴). سازه انگاران، سرشت اجتماعی کنشگران چه در داخل یک واحد سیاسی و چه در نظام بینالملل را مورد توجه داشته و از نظر آنان، هر کنشگری دارای هویت اجتماعی است و این هویت در بطن تعاملات اجتماعی ساخته میشود از این رو نمیتوان یک کنشگر «ما قبل اجتماعی» را تصور کرد. هویت کنشگران از تعامل میان آنها شکل میگیرد؛ بنابراین هویت به معنای فهمهای نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص از خود و انتظارات از دیگران است و هر کنشگری هویت خود را از طریق مشارکت در «معانی جمعی» به دست می‌آورند. پس انسانها، کنشگران و دولتها هویت‌های از

پیش تعیین شده ندارند و هویتها در روابط اجتماعی شکل میگیرد، در نتیجه همه کنشهای انسانی در فضای اجتماعی شکل گرفته و معنا پیدا میکند (سلیمی و عیوضزاده، ۱۳۹۵: ۱۵۵). این ساختار بین الاذهانی اجازه میدهد، معانی خاص به تواناییهای مادی تبدیل شوند. بنابراین دنیای بدون هویت نه تنها وجود ندارد بلکه دنیای هرج و مرج است، هویتها ما را به خود و دیگران، و سایرین را به ما معرفی مینمایند. کنشگران سایرین را بر اساس هویتی که به آنها نسبت میدهند درک مینمایند و بطور هم زمان از طریق اعمال اجتماعی روزانه به بازتولید هویت خود میپردازند (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۵). در نتیجه از آنجا که کنشگران ذاتا اجتماعی هستند، هویتها و منافع آنها به شکل اجتماعی ساخته میشود و محصول ساختارهای اجتماعی بیناذهنی میباشند (مشیرزاده و طالبی، ۱۳۹۳: ۲۸۰)

هر چند که در بین رویکردهای سازهانگاران تفاوتی در برسازای نوگرا و پسانوگرا و همچنین در برسازای سیستمی، واحدنگر و کلنگر وجود دارد. برسازان سیستمی با اولویت دادن به ساختارهای هنجاری سیستمی در ساخته و پرداخته کردن هویت و منافع بازیگران دولتی و سطوح مختلف رفتار رقابتی و همیارانه در نظام بینالملل تاکید دارند. در حالیکه برسازان واحدنگر به تفاوت واکنشهای دولتها به فشارهای سیستمی و منابع داخلی هویتها و منافع دولتها توجه دارند. و برسازان کلنگر به سرشت نظم سیاسی در سطح داخلی و سطح بینالمللی بطور متقابل توجه میکنند (گرفتس، ۱۳۸۸: ۲۰۸). در مجموع همه رویکردهای برسازای بر نقش هنجارها، فرهنگ، هویت و اندیشهها به مثابه عوامل تعیین کننده پدیدههای بینالمللی تاکید دارند (همان: ۲۱۳)

بطور خلاصه میتوان چنین گفت که مکتب برسازای با تاکید بر اهمیت مردم و گروهها و ایجاد مفاهیم و منافع مشترک در شناخت هویتها، منافع نهادها و

برداشتها و ادراکات آنها در رفتار بینالمللی زمینه را برای نظرات و آگاهیهای بین بازیگران عرصه روابط بینالملل از طریق تعاملات مشترک فراهم میسازد، در واقع سازهانگاری با تاکید بر رابطه میان وابستگی متقابل مادی و فهم هویت و اجتماع با ایجاد درک ساختار بینالذنهانی از احساس تعلق به یک اجتماع منطقه‌ای خاص با ایجاد زمینه تغییر منافع و هویتها همگرایی را امکان پذیر مینماید.

پیادهروی اربعین به عنوان یک پدیده اجتماعی و سنتی که در بین شیعیان وجود دارد و در کشوری مانند عراق که دارای فرهنگ عربی و جغرافیایی خاص میباشد و تنوع فرهنگی زیادی را تاکنون در خود ندیده است و از سوی دیگر مشارکت مسلمانان و غیرمسلمانان با فرهنگهای متفاوت در پیادهروی اربعین، آیا ظرفیت همکاری و همگرایی در جامعه اسلامی و شیعیان را افزایش میدهد یا میتواند تبدیل به آسیب جدی فرهنگی برای فرهنگ عربی عراق باشد؟ به بیان دیگر وجود اختلافات و تفاوت‌های عمودی و افقی فرهنگی و اجتماعی در عراق با حضور میلیونی زائران اربعین حسینی، به چه میزان میتواند در ایجاد ساختارهای بینالذنهانی اجتماعی در جهت همگرایی، همکاری، همدلی و همافزایی در بین شیعیان عرب و جهان اسلام و همچنین بین شیعیان با مسلمانان و غیرمسلمانان از کشورهای عربی و غیرعربی در تقویت ارزشها، آرمانها، ایجاد همدلی، همافزایی، همکاری و همگرایی موثر باشد.

از آنجا که ساختارهای هنجاری و فکری، از سه طریق: تخیل (تصوری بودن/ذهنی بودن)، ارتباطات و محدودیت، هویت و منافع کنشگران را شکل میدهند (مشیرزاده و طالبی، ۱۳۹۳: ۲۸۶) به بررسی ظرفیت پدیده اربعین در همگرایی جهان اسلام میپردازیم.

۳. اربعین و تنوع فرهنگی با هویت جمعی

فرهنگ به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی یک جامعه (کوئن، ۱۳۸۶: ۳۹) است که هویت آن جامعه را شکل می‌دهد و توانایی تغییر در زمانهای گوناگون را دارد. تغییر فرهنگ را باید در واقع تغییر ساختارهای بینالذنهانی دانست زیرا تغییر این ذهنیتها و تخیل، نگاه افراد و اجتماع را نسبت به پدیدهها و تعامل یا تقابل آنان مشخص میکند. هرچه ارتباط و گفتگو بیشتر باشد به سمت تعامل و هر چه کمتر باشد احتمال تقابل و منازعه افزایش مییابد. بنابراین فرهنگ دارای اهمیت و کارکردهای زیادی است، جهان امروزی عرصه‌ای برای جلوه فرهنگها و گفتگوهای فرهنگی است. گفتگو و تعامل فرهنگی، بهترین گزینه برای رفع تعارضات و سوء تفاهمات بین فرهنگهای مختلف در بین افراد، منطقه و جهان است. تعامل، تبادل و توسعه فرهنگها و سنتها موجبات افزایش فهم، هم‌افزایی و ایجاد ساختارهای بینالذنهانی بین افراد و جوامع را موجب می‌گردد و همچنین موجب کاهش تعارضات فرهنگی می‌گردد، در نتیجه افزایش همکاریها، تشکیل سازمانها، نهادها و ایجاد همکاریهای مشترک و صلح را به دنبال دارد.

با فرض اینکه یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های همگرایی منطقه‌ای، فرهنگ مشترک باشد، پیاده‌روی اربعین با حضور تنوع فرهنگی متفاوت می‌تواند عامل همگرایی میان مردم و کشورهای شیعه و جهان اسلام باشد. پژوهشی که در خصوص تحلیل پیمایشی راهپیمایی اربعین حسینی انجام گرفت، شرکت کنندگان در راهپیمایی اربعین حسینی، اهدافی چون تقویت اتحاد و همبستگی بین مسلمانان، شناخت بهتر اهل بیت (علیهم‌السلام)، افزایش آمادگی برای ظهور، احیای ارزشها و تقویت مقاومت و پایداری را مورد اشاره قرار داده‌اند (عاملی، ۱۳۹۶:

۹۷). در واقع زائران مبتنی بر تصویری که از پیادهروی اربعین دارند در آن شرکت میکنند و این تصورها متأثر شرایط سیاسی و اجتماعی یا امور مذهبی و یا توأمان هر دو باشد. بنابراین ساختارهای ذهنی و بینالذنهانی بوجود آمده میتواند در نحوه کنش مشارکت کنندگان و هویت جدید تاثیر بگذارد.

پیادهروی اربعین سبب شکلگیری فهم بینالذنهانی نوع و هویتی فراتر از مرزهای ملی شده است که سبب پیوند عاطفی میان زائران بخصوص زائران ایرانی و عراقی گردید که همان هویت جمعی اربعینی است و زائران هنگام برجستهسازی و ابراز این هویت، تفاوت‌های ملیتی میان خود را کنار گذاشته و سعی در نزدیک شدن به یکدیگر از طریق اتحاد حسینی دارند (تاجبخش و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴).

در واقع باید گفت که پیادهروی اربعین در سالهای اخیر با وجود تنوع فرهنگی، در ایجاد و شکلگیری مبادلات فرهنگی و فهم بین‌الذنهانی مشترک (تقویت ایده‌های غیر مادی، باورها و ارزش‌های مشترک و...) زمینه را برای همگرایی فرهنگی فراهم آورد و از طریق تعامل و تبادل فرهنگی در ساخت اجتماعی و فهم بین‌الذنهانی باعث همگرایی در روابط کشورها و جوامع شیعی و اسلامی گردید و هویت جدیدی را بین آنان در کنار هویت‌های دیگر ایجاد کرد، علیرغم جنگ ایران و عراق میزان تعاملات انسانی، اقتصادی و سیاسی بین این دو کشور بعد از سرنگونی صدام به شدت افزایش پیدا نمود و تخیل و تصوره‌های گذشته که به منازعه و مقابله منتهی میگردد به نوعی در حال فروپاشی و از بین رفتن است. ایرانیان و عراقیها تصورات و تخیلاتی منفی نسبت به یکدیگر به مانند گذشته نه تنها ندارند بلکه با وجود ارتباطات گسترده ذهنیتهای بهتری دارند و با ایجاد و گسترش پیادهروی اربعین به سمت هویت جمعی مشترکی

حرکت مینمایند.

ارتباطات پیونددهنده فرهنگ‌ها و هویت‌ها است، و هویت یک مفهوم ارتباطی در نظام معنایی است و ارتباطات به عنوان دومین طریق در ایجاد هویت و منافع کنشگران از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا که از طریق ارتباطات مردم معانی، نشانه‌ها و فرهنگ را می‌آموزند. فرهنگ، اساسا به تولید و تبادل معانی در میان اعضای یک جامعه یا یک گروه وابسته است. دو نفر متعلق به یک فرهنگاند، به معنای آن است که آنها جهان را به شیوه‌هایی تقریبا مشابه تفسیر کرده و خود را مینمایانند و افکار و احساسشان راجع به جهان به شیوه‌هایی اظهار میشود که توسط یکدیگر فهم شدنی است و این منجر به ایجاد هویت میگردد (شفیعی وهمکاران، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۳). نمادها و نشانه‌ها و دل بستگی به آنها هویت افراد را تحقق میبخشد. و انسانها تمایل دارند که هویت خود را آگاهانه در گروهی خاص جستجو نمایند. تمایل انسانها برای دستیابی به هویت‌های جمعی منجر به پذیرش چندین هویت میشود. چنانکه تعلق همزمان به چند هویت، در هویت هر انسانی با هم میتواند سازش داشته باشند (گلمحمدی، ۱۳۸۱: ۹۱).

پیاده‌روی اربعین که با حضور میلیونی زائران موجبات ارتباطات گسترده‌ای بین افراد، جوامع قومی و فراملی در عرصه جهان اسلام را بوجود آورد. حضور فراملیتی در مراسم پیاده روی اربعین یکی از مسائل جذابی است که در تمامی گزارش‌های خبری مخابره شده از این رویداد بزرگ به چشم می‌خورد. این حضور فراملیتی به قدری پررنگ است که آمارها از حضور اتباع بیش از هشتاد کشور جهان در این رویداد عظیم حکایت دارد (قندی و شکوری، ۱۳۹۵: ۱۱۲). این حضور و ارتباطات موجب شکلگیری هویت جمعی اربعینی به مانند هویت‌های جهان وطنی و اجتماعگرایی گردید که در باز تولید معنا و فهم بینالذنهانی از

طریق ارتباطات و در ایجاد منافع ، همگرایی و صلح نقش بسزایی دارد.

بدون شک یکی از مهمترین عواملی که نقشی مهمی در روابط دوستانه و همگرایی بین کشورها و جوامع شیعی در سالهای اخیر داشته و در رفتار و کنش شیعیان و واکنش مسلمانان ظهور داشته است برگزاری مراسم پیادهروی اربعین میباشد، که موجب ایجاد معنا، ساختارها و فهم بینالذنهانی را در منطقه متحول نموده است و این خود میتواند به همگرایی منطقیهای در جهان تشیع و به واگرایی و منازعه در جهان اسلام تبدیل شود. فهم بینالذنهانی نیروهای همگرا و واگرا در تعیین چگونگی و کیفیت آنها نقش عمدهای دارند، مفاهیم منفک از هم نیستند، بلکه متغیرهایی هستند که دارای پیوندی معکوس و متاثر از هم میباشند. به عنوان نمونه شاید بتوان به تحولات سالهای اخیر در ایران و عراق در آستانه اربعین و پس از آن اشاره نمود که چگونه فهم بینالذنهانی افراد و جوامع ایران و عراق علیرغم وجود ارزشها و هنجارهای مشترک و بخصوص مذهب تشیع، دچار برخی از منازعات و واگرایی داخلی و بینالمللی با حضور بازیگران فراملی و فراملی نسبت به یکدیگر گردید.

پیادهروی اربعین یک پدیده فراملی و تمدنی است هر چند که در جغرافیای سیاسی و اجتماعی عراق شکل گرفته و برگزار میشود، اما افراد آنجا زندگی مؤمنانه و نظمی مؤمنانه را تجربه میکنند. سبک زندگی مؤمنانه دیده میشود و همه با آن نسبت دارند. برادران اهل تسنن و حتی از مذاهب دیگر مثل ارتدوکسها و کاتولیکهای مسیحی هم به این مراسم میآیند و منعی برای ایشان جهت شرکت در این راهپیمایی نیست. این نشان دهنده آن است که راهپیمایی اربعین میتواند با فرهنگهای دیگر نسبت برقرار کند. به دلیل نظام معنایی درون خود که فراتر از جغرافیای خاص است توسط کنشگران قابل مصادره نیست ولی

همه کنشگران فروملی، ملی و منطقهای از آن بهره بردند. پیادهروی اربعین در سطح سیاسی طرح خاورمیانه آمریکا را به هم زد و ملت‌های ایران، عراق، لبنان، سوریه و غیره را در یک ترکیب جدید قرار داد. نه تنها این کشورها تجزیه نشدند بلکه وحدتی مؤمنانه را در راهپیمایی اربعین تجربه کردند (رضا دوست و شهریار، ۱۴۰۱: ۶۷).

بنابراین همانگونه که پیادهروی اربعین در ایجاد فهم بینالذلهانی میتواند فرصتهایی را ایجاد نماید و موجبات همگرایی در عین تنوع فرهنگی گردد عکس آن نیز محتمل است. زیرا فهم بینالذلهانی افراد و جوامع نقش بسزایی در شکلگیری هویت و تغییر فرهنگی جهت همگرایی یا واگرایی دارد. پس برای رسیدن به جامعه و منطقه امن نیازمند تغییر فهم بینالذلهانی زائران، مشارکتکنندگان و کارگزاران میباشیم که پیادهروی اربعین این فرصت را با وجود تنوع فرهنگی و تبادل فرهنگی مهیا نموده است تا هویت جمعی جدیدی مبتنی بر ارزشهای مذهبی، اسلامی و انسانی شکل گیرد که فراتر از مرزهای ملی است.

فهم بینالذلهانی زائران، مشارکت کنندگان و کارگزاران در کنشهای بیرونی به صورتهای گوناگون میتواند تحقق یابد که میتوان از کارکردهای پیادهروی اربعین برشمرد:

۴. افزایش آگاهی

مهمترین بخش زیارت اربعین، بیانگر هدف بزرگ قیام و شهادت آن حضرت است: «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة» خداوندا! حسین خون قلب خویش را در راه تو نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت گمراهی، نجات بخشد (زیارت اربعین). پیادهروی اربعین با تولید نظام معنایی

خود در اثر ارتباطات موجب افزایش آگاهی اشتراکات بینادذهنی مشارکتکنندگان با خود و دیگران در عرصه جهان تشیع و اسلام میشود. برخی تجربه دینی (پیداهروی اربعین) را دارای سه ویژگی برشمردهاند: نخست اینکه متضمن آگاهی از امر متعالی است دوم اینکه شخص مذهبی به امر متعالی به عنوان غیرخودش آگاهی دارد و سوم اینکه احساسی از خضوع و خشوع در برابر امر متعالی تجربه میکند، آگاهی به خدا و امام در سرتاسر این پیداهروی موج میزند و موجب خضوع و خشوع نسبت به تعامل و ارتباط با همه عناصر و افراد در این راه میگردد (رضادوست و شهریار، ۱۴۰۱: ۶۷) که منجر به تولید معانی بینالادذهنی با افراد و احساس هویت و منافع مشترک در ارزشها و آرمانها میشود. همین آگاهی و معانی بینادذهنی موجب هویت جمعی و همگرایی و کاهش منازعات فردی، فروملی و فراملی در عرصه کنشگران اجتماعی و منطقیهای میگردد.

۵. ارتباط اجتماعی عامل اعتماد اجتماعی

تعلق هویتی و تقویت سرمایه اجتماعی؛ میزان شناخت و نحوه ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آنها با یکدیگر است. اینکه ما دیگران را چگونه مورد فهم و ارزیابی قرار می دهیم نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط، دوری گزیدن و یا نفی و حتی حذف دیگران دارد. اصولاً انسانها در قبال دیگران همانگونه رفتار میکنند که میاندیشند «بایدها» متأثر از نقش ذهنیت و جهتگیریهای ذهنی خود، چیزهایی را میبینند، که ببینند، ترکیب شناختها (اعتقادات و باورها)، احساسات (هیجانها و عواطف) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیدههای معین و دیگران در چگونگی کنش و واکنش ما تأثیر قابل ملاحظه ای دارد (رضادوست و شهریار، ۱۴۰۱: ۷۸). اعتماد اولین جزء سرمایه اجتماعی محسوب میگردد. وجود ارتباطات بینالادذهنی در شکلگیری و گسترش

اعتماد اجتماعی بین گروهها و اجتماعات امری بدیهی است. پیادهروی اربعین در سالهای اخیر در تعمیق و ایجاد اعتماد اجتماعی بین جوامع شیعی و مسلمانان نقش بسزایی داشته است و موجب ارتباطات و تعاملات بیشتر کنشگران با افراد در عرصه فروملی و فراملی گردیده است. میتوان به پدیده موکبهای در اربعین توجه کرد که افراد عراقی و ایرانی با هم آن را شکل دادند. بنابراین میتوان حضور فعال و ارتباط موثری که در پیادهروی اربعین بین زائرین شکل میگیرد را به نوعی اعتماد اجتماعی تعبیر کرد که از حس اعتماد بین آنها سرچشمه میگیرد.

۶. اتحاد در عقاید و رفتار عامل تقویت هویت دینی

در راهپیمایی بزرگ اربعین همسانیها و اشتراک افراد حاضر از مناطق مختلف جهان یک احساس و هویت مشترکی را میان حاضران پررنگ میکند که افراد در موطن خود کمتر با این حجم و تعداد از افراد دارای اندیشه و احساس و باور مشترک روبرو بودهاند. احساس لذت "ما" بودن و کثرت و پرشماری میان افراد متعلق به یک هویت در نهادینگی و تثبیت آن هویت کمک شایانی میکند. در اربعین توجه به مسیر و مقصد احساس تعهد و باور نسبت به قیام سالار شهیدان زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام به منزله احیاگر دین اسلام به تقویت هویت دینی و فرهنگ حسینی و حماسی کمک شایانی می کند (پژوهش خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶/۸/۱۵). این باورها و ارزشها همان نظام معنایی و بینادهنی بین کنشگران است که عامل تقویت هویت دینی بین کنشگران میباشد.

نفس تجمع و همافزایی و همدلی و همگرایی شیعیان در این واقعه عظیم که از کشورهای مختلف و قارههای مختلف راهی عراق شده و در کنار هم هستند و موکبهای عراقی و ایرانی بدون نگاه به ملیت و نژاد و زبان به هم مهر میورزند،

زمینه‌های اتحاد هر چه بیشتر مذهبی و تقویت هویت مذهبی شیعه را رقم می‌زند. پدیده اربعین در حیث اجتماعی و متشکل کردن بر اساس انگیزه‌های دینی و ایجاد وحدت میان شیعیان در طول تاریخ بی‌بدیل است و اینکه تفاوت‌ها رنگ می‌بازد و اشتراک‌های دینی و حرکت حول شعار "لبیک یا حسین" همه اختلافات و مجادلات را به حاشیه می‌راند (استادیان، ۱۳۹۸/۷/۲۷). بنابراین می‌توان اتحاد در عقاید و رفتار در شکل‌گیری "هویت اربعینی" موثر دانست و آن را به عنوان یکی از عوامل انتقال فرهنگی بین زائران به حساب آورد.

۷. پیاده‌روی اربعین، همگرایی و صلح

همگرایی به معنای ادغام و ترکیب شدن اجزاء در یک کل است، همگرایی در درون واحدهای فروملی، ملی و فراملی قابل بررسی است، همگرایی را هر چند که به عنوان فرایند در نظر می‌گیرند ولی بصورت وضعیت نیز میتوان تعریف نمود، وضعیت یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدیدی میرسند. فرایندی بودن همگرایی مبتنی بر داوطلبانه و اجماع میباشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۳۸۴) نظریه‌های همگرایی غالباً پیروسه آغاز همگرایی را از مبادلات تجاری و اقتصادی دو یا چند جانبه برمی‌شمرند و به حوزه‌های دیگر گسترش میدهند.

در روابط بین‌الملل، یکی از شرایط لازم برای همکاری، ارتباطات است که به مذاکرات، همکاری و همگرایی منتهی میگردد. از نظر کارل دوئیچ، ارتباطات شکل‌دهنده و هویتبخش جوامع انسانی است. به نظر وی جریان شدید ارتباطات میان ملتها و دولتها میتواند به تدریج به پیدایش جامعه سیاسی - جهانی منتهی شود، ارتباطات نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی میکند. بنابراین هر چه ارتباطات بیشتر باشد جوامع بیشتر به هم نزدیک میشوند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۷۹).

۳۸) برخی چون ارزست هاس زمینه همگرایی را منوط به منافع رهبران سیاسی میدانند، در صورتی که روند همگرایی به نفع آنان نباشد با آن مخالفت میکنند (سیفزاده، ۱۳۷۶: ۳۰۹-۳۰۵).

نظریه‌های همگرایی با نگاهی کارکردگرایانه، به نقش فرهنگ در عرصه روابط بین‌الملل فعال هستند. بر مبنای این نظریات امکان از بین رفتن مرزهای سیاسی دولت‌های ملی فراهم میشود و موجودات سیاسی جدیدی که پاره‌ای از اختیارات و صلاحیت‌های دولت‌های ملی به آن‌ها تفویض شده، شکل می‌گیرند. در این نظریه‌ها، ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی تشریح می‌شود که نشان می‌دهند نیازهای جدیدی ظهور و بروز یافته‌اند که دولت‌های ملی توان برآورده ساختن آن‌ها را ندارند. لذا زمینه به وجود آمدن نهادهای فراملی پدید می‌آید که توان و امکان برآورده ساختن نیازهای تازه را داشته باشند. درحقیقت، فرآیند همگرایی از پیدایش نیازهای جدید آغاز می‌شود؛ نیازهای جدیدی موجب می‌گردند وفاداری انسان نسبت به دولت‌های ملی کم‌رنگ شده و به سوی نهادهای فراملی سوق داده شود (سلیمی، ۱۳۷۹: ۷۸-۷۹).

همگرایی ارتباطات و تبادل فرهنگی از مهم‌ترین کارکردهایی است که ممکن است زمینه‌ساز همگرایی منطقه‌ای و جهانی شود و با گسترش ارتباطات فرهنگی نیاز به همفکری و تبادل نظر بیشتر ضرورت پیدا می‌کند. تمایل و علاقه‌مندی ملت‌ها به فرهنگ‌های یکدیگر باعث فروریزی دیوار میان آن‌ها می‌شود و بستر همکاری‌های نوین فرهنگی پدید می‌آید و این نکته نشانگر نقش، جایگاه و اهمیت فرهنگ در گسترش همکاری و همفکری بین‌المللی و نیز زمینه‌سازی برای همگرایی ملت‌هاست (امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۰).

برای همگرایی فرهنگی اهدافی چون سیاست همگون‌سازی به منظور ایجاد

یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی و کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی را مطرح میکنند. همگون‌سازی در اشکال گوناگون دولت-ملت‌سازی، در اکثر کشورهای جهان به‌وسیله نخبگان فکری و دولت‌ها دنبال شده است؛ فرض آنان بر این بوده که می‌توان هویت جمعی انسان‌ها را به راحتی تغییر و آن‌ها را در یک چارچوب جدید هویتی قرار داد (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۴۲). برخی معتقدند که همگرایی فرهنگی، نوعی همسویی و هم‌نوایی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار تلقی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۰۷) و نتیجه همگرایی فرهنگی بی‌تردید نظم است.

اجتماع میلیون‌ها زائر اربعین در محدوده جغرافیایی خاص، با هدف زیارت، باور به قیام آزادیخواهانه امام حسین علیه السلام و تعظیم شعائر مذهب تشیع است. هرچند غیرشیعیان نیز در زیارت اربعین و در مسیر راهپیمایی حاضر میشوند اما درصد اندکی از زائران غیرشیعه هستند و به همین جهت کلیت حرکت اربعین بر مبنای عقاید و باورهای شیعیان شکل می‌گیرد. عقاید مشترک مذهبی در میان زائران منجر به تفاهم فرهنگی در میان آنها میشود. هرچند که زائران از میان اقوام و ملیتهای مختلف در عراق حاضر میشوند و هر یک با سبک زندگی متفاوت و افکار گوناگون در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند اما باور به نهایت مسیر و تلاش برای زیارت کربلا منجر به ایجاد تعاملات گوناگون فرهنگی و زبانی در میان آنها میشود (عاملی، ۱۳۹۶: ۲۰).

هرچند که تعاملات فرهنگی بدون هیچ دستور و برنامه‌های از جانب نهادهای فرهنگی و حاکمیتی عراقی و غیرعراقی شکل می‌گیرد؛ اما برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی به ارائه خدمات فرهنگی، ترویج باور و فکر حسینی و آگاهی بخشی به سیل عظیم زائران است، عدم آگاهی کامل نسبت به زمینهای قیام کربلا

و اهداف امام از قیام در میان عامه زائران متصور است. از این جهت میتوان به راهپیمایی اربعین به چشم فرصتی برای تبلیغ باورهای شیعی حتی در میان شیعیان دانست.

اربعین هرچند گردهمایی بزرگ شیعیان است که باور به اعتقادی واحد، آنها را با یکدیگر متحد میکند اما قطعا اختلافات زبانی و قومی موجود میان زائران و حتی برخی اختلافات جزئی در باورهای مذهبی و فهم دین منجر به تفاوت زائران میشود. در راهپیمایی اربعین هویت‌های قومی، زبانی، ملی رنگ میبازد و جهان اندیشی در مسیری واحد شکل میگیرد. راهپیمایی بزرگ اربعین وحدت هویتی ایجاد نموده و جلوه‌های از رفق و مدارا در فرهنگ اسلامی است. منسک اجتماعی اربعین از رفق و مدارایی سخن میگوید که با خلق نظام ارزشی جهان شمول موجبات ایجاد زیرسیستم هویت در تمدن نوین اسلامی میگردد (محمدی سیرت، ۱۳۹۵: ۲۲)

حضور میلیونی زائران و شیعیان از سراسر دنیا با هدفی مشترک در این اجتماع و تفاوت‌های قومی، زبانی، نژادی و گرایش‌های فکری گوناگون، همایش اربعین را تبدیل به واقعه‌ای منحصر بفرد نمود. طبعاً حضور انبوه انسانها در محیط جغرافیایی محدود، و در منطقه خاورمیانه که شاهد بروز انواع نزاعها و اختلافات قومی و مذهبی در میان ساکنانش است، با وجود این حجم از اختلافات میتواند محل مناسبی جهت تضادهای رفتاری باشد (عاملی، ۱۳۹۶: ۲۲).

اما با وجود این تضادها در راهپیمایی اربعین و حضور سنیها و حتی مسیحیان، ایزدیه‌ها، زرتشتیها و... هم به عنوان زائر و هم به عنوان خادم، تماشاگر بزرگترین صحنه ایثار میباشند و مهمترین تحفه آنها از این سفر فرهنگ ایثار است فرهنگی که براساس آن میتوان جهانی زیبا بنا نهاد (جمالی، ۱۳۹۵: ۴۲).

هرگاه تحول و حرکتی براساس مبانی اسلامی در هر نقطه ای از کره زمین انجام گیرد، نمیتواند تنها نظر به درون جامعهی خود داشته باشد و در حصار سرزمینی خاصی به محاصره در آید و بدون شک پیامی فراتر از مرزهای خود ارائه میدهد و درصدد صدور ارزشهای خویش به دنیای خارج برمیآید. منسک اجتماعی عظیم اربعین با ایجاد زیرسیستم تمدنی فرهنگی و هنری که بر ارزش های فطری و جهان شمول بنا شده است، معانی فرهنگی و هنری را خلق میکند که علاوه بر جامعه میزبان، مخاطبانی در سطح تمدنی را هدف گذاری کرده است

۸. نتیجهگیری

پیاده روی اربعین که با حضور میلیونها زائر از نقاط مختلف و تنوع فرهنگی، قومیتی و جنسیتی در یک محیط جغرافیایی اتفاق میافتد اما برای خود دارای عناصر معنایی و هویتی است که همه کنشگران را در درون خود تعریف مینماید زیرا که این عناصر و مولفههای معنایی فراجغرافیایی میباشد، فهم بیناذهنی شکل گرفته از این عناصر به کنشگران هویت جدیدی بنام هویت جمعی اربعینی اعطا مینماید که همه افراد در درون این زمان و مکان نسبت به یکدیگر از رفق و مدارا برخوردار هستند و زمینه همگرایی و همدلی و همافزایی را بیشتر مینماید بدون آنکه آنها به زبان مشترک سخن بگویند اما این ارتباطات بیناذهنی در تداوم ارتباط و اعتماد اجتماعی نقش بسزایی ایفا مینماید و موجبات افزایش همکاری در عرصههای اقتصادی و سیاسی را فراهم میآورد.

با توجه به ارتباطات بیناذهنی بوجود آمده در مراسم پیاده روی اربعین و همچنین زیست اجتماعی و چند روزه و تنفس زائرین در فضای معنوی این مراسم بستر مناسبی برای تغییر فرهنگ با توجه گفتمان و کنشگری هایی که در

این مدت دارند به صورت ارادی یا غیر ارادی در حال تحقق می‌باشد و این زمینه ایجاد صلح و همگرایی را در منطقه و جهان اسلام فراهم مینماید

راهپیمایی اربعین قابلیت بالایی در تقویت و تحکیم شعائر دینی، همبستگی جهان اسلام و همچنین تقویت مقاومت و پایداری جوامع اسلامی در برابر هجمه‌های تبلیغاتی، سیاسی یا نظامی کشورهای متخاصم دارد.

منابع

۱. قاضی طباطبایی، سید محمدعلی (۱۳۶۸) تحقیق درباره اول اربعین سید الشهدا،
۲. افتخاری، لاله (۱۳۹۸) «نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، فصلنامه رهیافت فرهنگ دینی، دوره ۲، ش ۸، صص ۳۱-۵۸.
۳. تاجبخش، غلامرضا (۱۳۹۹) «پیاده‌روی اربعین و ابعاد تربیتی آن»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال هفتم، ش ۵۴.
۴. غفاری هاشجین، زاهد؛ آقایی، محمد (۱۳۹۷) «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال چهاردهم، ش ۲۷، صص ۱-۲۱.
۵. اکوانی، عباس (۱۳۹۹) «بررسی تاثیر راهپیمایی اربعین حسینی در ترویج فرهنگ حسینی و تمدن شیعی»، مجله نخبگان علوم و مهندسی، شماره ۲۶، صص ۱۳۱ تا ۱۳۸.
۶. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶)، تحلیل پیمایش راهپیمایی اربعین حسینی: ظرفیتها، چالشها، نمادها و معانی، مرکز پژوهشی سیاستهای فضای مجازی دانشگاه تهران.
۷. سامانی، سید محمود (۱۳۹۷)، «کارکردهای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی اربعین حسینی»، فصلنامه فرهنگ زیارت، ش ۳۵.
۸. غیاثی، هادی و همکاران (۱۳۹۹) «دیپلماسی فرهنگی آیین پیاده‌روی زیارت اربعین؛ ابعاد و راهبردها»، دو فصلنامه سیاست و روابط بینالملل،

دوره چهارم، ش ۷.

۹. ستوده، محمد (۱۳۸۷) «جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره یازدهم، ش ۴۲.
۱۰. امامی، سیدمجید؛ غیاثی، هادی (۱۳۹۶) « همگرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تاکید بر پیاده روی زیارت اربعین»، دو فصلنامه دین و سیاست فرهنگی، دوره چهارم، ش ۹.
۱۱. طاهرخانی، عبدالله؛ سوادیان، پروین؛ شریفی، منصور (۱۴۰۰)، «راهپیمائی اربعین نمادی از شکل‌گیری هویت جمعی مسلمانان»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره نهم، ش ۱۸.
۱۲. دلاوری، رضا (۱۳۸۶). « نظریه برساخت گرایی در روابط بینالملل»، تاریخ نگارش ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ در: www.Delawari46.blagfa.com
۱۳. سلیمی، حسین؛ عیوضزاده، حسن (۱۳۹۵)، «مبانی نظری تداوم ناتو پس از جنگ سرد»، فصلنامه مطالعات روابط بینالملل، سال نهم، ش ۳۵.
۱۴. گریفتس، مارتین (۱۳۸۸) دانشنامه روابط بینالملل، ترجمه علیرضا طیب، نی، تهران.
۱۵. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بینالملل نظریه‌ها و رویکردها، چاپ سوم، سمت، تهران.
۱۶. مشیرزاده، حمیرا؛ طالبی، روح‌الله (۱۳۹۳)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم، میزان، تهران.
۱۷. کوئن بروس (۱۳۸۶)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هشتم توتیا، تهران.

۱۸. قندی، سید محسن؛ شکوری، میثم (۱۳۹۵)، «شهر اربعین (مدینه الاربعین) رهیافتی نو به مفاهیم آرمانشهر شیعی»، مطالعات مسجد و مهدویت، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان.

۱۹. رضادوست، کریم؛ شهریاری، مرضیه (۱۴۰۱)، «بررسی پتانسیل و بسترهای مناسک زیارتی بر اساس فهم نظام معنایی مشارکت کنندگان در پیاده‌روی اربعین»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۶، ش ۴ تابستان.

۲۰. تاجبخش، غلامرضا؛ حسینی، محمدرضا؛ موسوی، انتصار (۱۳۹۸)، «مطالعه کیفی الگوی ابراز هویت ایرانیان و عراقیها در آئین پیاده‌روی اربعین»، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال نهم، ش ۲، پاییز و زمستان.

۲۱. شفیع، نودر؛ پایفرد، کیانوش؛ مرادی، مجید (۱۳۹۳)، «تکنولوژی ارتباطات؛ هویت و صلح»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال نهم، ش ۲۱.

۲۲. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). «فرهنگ، تهاجم، تبادل و تحول»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶.

۲۳. پژوهش خبرگزاری صدا و سیما. (۱۳۹۶ / ۸ / ۱۵)، بررسی راهپیمایی اربعین از منظر جامعه‌شناسی سیاسی.

۲۴. <https://www.iribnews.ir/fa/news/1886062>

۲۵. استادیان، علیرضا (۱۳۹۸/۷/۲۷)، مبانی تاثیرات جامعه‌شناختی پیاده روی اربعین حسینی. <https://www.pana.ir/news/961723>

۲۶. ایوانز، گراهام؛ نونام، جفري (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران،

میزان.

۲۷. کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۰)، نظریه همگرایی در روابط بینالمللی تجربه جهان سوم، تهران، چاپ پیک ایران.
۲۸. سیفزاده، سید حسین (۱۳۷۶)، نظریه پردازی در روابط بینالملل مبانی و قالبهای فکری، تهران، سمت.
۲۹. سلیمی، حسین (۱۳۷۹)؛ فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۰. صالحی امیری، رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی، تهران، ققنوس.
۳۱. صالحی امیری، رضا؛ (۱۳۸۸)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، چاپ دوم، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۳۲. محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۵)، «اربعین منسک اجتماعی در قواره ای تمدنی: ظرفیتهای و زیر سیستمهای تمدنی»، فصلنامه مسجد ومهدویت، ش ۲، پاییز و زمستان.

